

# از عالم ذر چه می دانید

○ حجت الاسلام و المسلمین ناصر فقیه

عالم ذر و تعهد انسان به خداپرستی در این عالم چیست؟

در این باره توجه به چند نکته لازم است:

الف) هیچ موجودی در وجود یافتنش دارای اختیار نیست و وجود انسان نیز از این قبیل است و عالم ذر، ربطی به آن ندارد.

ب) در مورد «عالم ذر» در میان دانشمندان، مفسران، متکلمان و محدثان، گفت و گوهایی زیادی واقع شده است و این، نشانگر پیچیدگی موضوع (عالم ذر) می باشد. پیرامون این آیه نظریه های مختلفی شکل گرفته که به اختصار در این مجال به چند مورد از آنان می پردازیم.

«وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ.»

و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: «چرا، گواهی دادیم» تا مبادا روز قیامت بگوئید ما از این امر غافل بودیم.

حال، این ظهور و بروز (در عالم ذر) که واقع شده، به چه صورت انجام گرفته است و منظور از عالم ذر چیست؟

۱. محدثان در پاسخ می گویند: در بعضی از احادیث آمده است: فرزندان آدم تا پایان دنیا به صورت ذرات کوچکی از پشت آدم خارج شدند و فضا را پر کردند؛ در حالی که دارای عقل و شعور بودند و قادر بر سخن و تکلم بودند. خداوند از آنان پرسید: آیا من پروردگار شما نیستیم؟ همگی در پاسخ گفتند: آری و به این ترتیب، پیمان نخستین بر توحید گرفته شد.

۲. گروهی از مفسران چنین می گویند: منظور از «ذر»، ذرات نخستین وجود انسان (نطفه) است که از پشت پدران به رحم مادران انتقال یافت و به تدریج در عالم جنین، به صورت انسان کاملی درآمد و در همان حال، خداوند استعدادهایی به او داد

که به آرای صاحب نظران اشاره کنیم، لازم است توجه کنیم که گرچه نکات مبهم و دقیقی در این بحث وجود دارد، ولی این آیه به روشنی دلالت می کند که خدا با فرد فرد انسان ها مواجهه داشته و به آن ها گفته است: «آیا من خدای شما نیستم؟» آنان نیز گفته اند: «آری، تویی خدای ما».

منشاء ابهام، این است که ما خودمان چنین چیزی به خاطر نداریم. برخی از این مطلب روشن، نتیجه ای جالب گرفته اند و گفته اند که چنین مکالمه حضوری و عذربراندازی که خطای در تطبیق را هم نفی می کند، جز با علم حضوری و شهود قلبی حاصل نمی شود؛ از این رو، معرفتی که در آیه به آن اشاره شده است، معرفتی شخصی خواهد بود و نه شناسختی کلی که با مفاهیم عقلی حاصل می شود و تفاوت اولی با دومی در این است که در اولی، شخص خالق و اوصاف آن همچون یگانگی و ربوبیت او مشخص می گردد؛ ولی در دومی، تنها نفس خالق کلی، بدون تشخیص معلوم می شود.

آرای صاحب نظران درباره جایگاه میثاق به قرار زیر است:

۱. این نظریه عالم ذر می گوید که ارواح انسان ها قبل از تعلق به بدن، به ذرات ریزی تعلق گرفته است و آن ذرات، با تعلق ارواح، زنده و آگاه شدند؛ پس از آن، خداوند این مطلب را میثاق گرفت. بر اساس نظر این گروه، آیه، ناظر به عالم ذر است؛ یعنی خداوند از صلب آدم، ذرات ریزی را استخراج کرد و با تعلق ارواح به آن ها، از آنان عهد و پیمان گرفت. علامه مجلسی و آقا جمال الدین خوانساری این نظر را پذیرفته اند.

نقد: الف) این نظریه، با ظاهر آیه مخالف است؛ زیرا آیه می گوید که خدا از صلب بنی آدم، ذریه آنها را گرفت و نه از صلب آدم.

ب) نظریه فوق مستلزم تناسخ است و تناسخ به حکم عقل باطل است؛ زیرا بر این اساس، تمام انسان ها یک بار به این جهان گام نهاده اند و پس از یک زندگی کوتاه، از این جهان رخت بر بسته اند و بار دیگر، به تدریج، به این جهان بازگشته اند که این، همان تناسخ است.

۳. اگر این پیمان، با آگاهی کامل اخذ شده است، چرا کسی فعلاً از این پیمان خبری ندارد؟

۲. برخی چون زمخشری، بیضاوی، شیخ طوسی، سید قطب، علامه شرف الدین عاملی و میرداماد، محمدتقی جعفری و...، قائلند که این آیه، در مقام بیان واقع

تا بتواند حقیقت توحید را درک کند. از این رو، عالم ذر، عالم جنین است و سوال و پاسخ، به زبان حال صورت گرفته است.

۳. منظور از عالم «ذر»، عالم «ارواح» است؛ یعنی، خداوند در آغاز، ارواح انسان ها را آفرید و مخاطب ساخت و از آنان اقرار بر توحید گرفت.

۴. منظور از «ذر»، اجزای بسیار کوچک نیست؛ بلکه ذر به معنای ذریه (فرزندان) است؛ خواه کوچک و صغیر باشند یا بزرگ و کبیر. بنابراین، سوال و جواب در میان انسان و خداوند، به وسیله پیامبران و به زبان «قال» می باشد.

۵. سوال و جواب (در عالم ذر) بین انسان و خداوند، به زبان حال، صورت گرفته است؛ آن هم بعد از بلوغ، کمال و عقل.

۶. علامه طباطبائی می گوید: موجودات دارای دو نوع وجودند؛ یک وجود جمعی در نزد خدا که در قرآن به عنوان ملکوت از آن یاد شده است و دیگری وجودات پراکنده که با گذشت زمان، به تدریج ظاهر می شوند. به این ترتیب، عالم انسانیت دنیوی، مسبوق به عالم انسانیت دیگری است که در آن جا، هیچ موجودی از پروردگار پوشیده نیست و با شهود باطنی، او را مشاهده کرده، به واحدیت او اعتراف می کند و سوال و جواب در عالم «ذر»، مربوط به آن جا می شود.

آیه میثاق، از آیاتی است که مفسران، سؤال های زیادی درباره آن مطرح کرده اند که برخی به شرح ذیل است:

۱. این میثاق الهی، در چه عالمی انجام گرفته است؟

۲. این پیمان، در چه شرایطی واقع شده است؟

۳. آیا این عهد، به صورت دسته جمعی بوده است یا تک تک انسان ها حضور داشته اند؟ پیش از آن





نیست؛ بلکه از طریق تمثیل، به مسئله فطرت اشاره دارد. به نظر این گروه، منظور آیه این است که خداوند با اعطای نعمت های بی شمار و اعطای عقل به انسان، گویا توقع و انتظار دارد که انسان در مقابلش تعظیم کند، و انسان هم طبق ذات و فطرت خود، به این خطاب مجازی خداوند لبیک گفته است. مهم ترین اشکال این نظریه، مخالفت آن با ظاهر کلام الهی می باشد؛ زیرا آیه با کلمه «اذ» که علامت گذشته می باشد، نازل گردیده است.

۳. شیخ مفید، اصل عالم ذر را به صورت حقیقی و تکوینی پذیرفته است؛ ولی خطاب های رد و بدل شده خدا و انسان ها را به نحو حقیقی منکر شده و همه آنها را به تمثیل و مجاز حمل کرده است.

انتقادهای وارد بر نظریه های اول و دوم، بر این نظریه هم وارد است.

۴. به اعتقاد علم الهدی، عالم ذر، واقعاً بوده است؛ اما تمام ذریه آدم در آن عالم حاضر نبوده اند؛ بلکه اختصاص به اولاد کفار دارد.

۱. این نظریه با ظاهر آیه که دلالت بر اخذ میثاق از شما دارد، مخالف است.

۲. اگر تنها میثاق اولاد مشرکین مقصود بود، باید به نحوی روشن ادا می گردید.

۵. استاد جوادی آملی معتقد است که مراد از آیه، بیان واقعیت خارجی است و خداوند متعال به لسان عقل و وحی و با زبان انبیاء، از انسان میثاق گرفته است؛ یعنی خداوند در برابر درک عقلی و رسالت وحی، از مردم پیمان گرفته است که معارف دین را بپذیرند. وی در تایید نظریه خود به پنج نکته اشاره می کند و می گوید: «این معنا، تحمیلی بر ظاهر آیه مورد بحث نیست؛ زیرا برای عقل و وحی، نحوه ای تقدم نسبت به مرحله تکلیف وجود دارد؛ لذا ظاهر کلمه «اذ»، محفوظ می ماند. منظور از نحوه تقدم، این است که اول پیامبران می آیند و مقدمات پذیرش را فراهم می کنند؛ سپس تکلیف حادث می شود.»

این نظریه، به تأویل نزدیک تر است تا تفسیر؛ زیرا از اذهان همگان دور است و افزون بر آن، خطاب های آیه را به طبق این تفسیر، باید بر مجاز حمل کرد و نه حقیقت.

علامه طباطبایی هم در نقد نظریه فوق می گوید: «اگر منظور از اخذ میثاق، همان زبان وحی باشد، [باید] مانند سایر احکام می فرمود: به مردم چنین ابلاغ کن؛ نه این که بگوید: شما به یاد بیاورید.

۶. علامه طباطبایی معتقد است که مقصود آیه، جنبه ملکوتی انسان هاست؛ یعنی جای شهود و اشهاد و جایگاه میثاق، ملکوت انسان هاست؛ زیرا با توجه به ظاهر آیه که فرمود «و اذ اخذ» یعنی به یاد بیاور» استفاده می شود که اولاً، قبل از این جایگاه محسوس، جایگاه نامحسوس دیگری وجود داشته

است که در آن جا میثاق انجام گرفته است. ثانیاً، صحنه اخذ میثاق، بر نشئه حس و طبیعت مقدم است. ثالثاً، چون این دو جایگاه با هم متحدند و از هم جدا نیستند، خداوند به انسان ملکی و مادی امر می کند که به یاد آن جایگاه ملکوتی باشد و وقتی به یاد آن جایگاه باشد، آن را حفظ می کنند.

این نظریه در میان علما مورد توجه جدی قرار گرفته است و آنان، نظرهای مختلفی درباره آن اظهار کرده اند استاد جوادی آملی، استاد جعفر سبحانی و شهید دکتر بهشتی این نظریه را نقد و بررسی کرده اند.

طبق نظریه علامه و تمامی کسانی که عالم ذر و گفت و گوی بین انسان و خدا را پذیرفته اند، فلسفه وجود آن عالم این است که انسان با شهود باطنی، خدا را مشاهده و به وحدانیت او اعتراف نموده است و این شهود، باعث می شود که در عالم مادی که موانع مختلفی سر راه دارد، آن عالم را و شهود خدای خویش را که سرمایه اصلی هدایت و نجات اوست، فراموش نکند و تا زمانی که آن میثاق و آن شهود فطری در درون جان انسان زنده باشد، راه انحراف را در پیش نخواهد گرفت و در واقع، آن شهود عالم ملکوت و عالم ذر، می تواند تضمین کننده نجات انسان و ماندن بر صراط توحید باشد؛ البته این امکان وجود دارد که انسان، گنجینه های عالم ملکوت و فطرت را با آلودگی های گناه و حب دنیا دفن کند؛ ولی اگر به پیامبران و امامان این امکان را بدهد که به آن ها دسترسی پیدا کنند، آن گنجینه ها را از زیر خروار حجاب ها نجات می دهند.

امام علی علیه السلام درباره هدف بعثت می فرماید:

«خداوند پیامبران خود را مبعوث فرمود و هر چند گاه، متناسب با خواسته های انسان ها، رسولان خود را پی در پی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان بازجویند و نعمت های فراموش شده را به یاد آورند و با ابلاغ احکام الهی، حجت را بر آنها تمام نمایند و توانمندی های پنهان شده عقل ها را آشکار سازند.»

از جملات بالا به حکمت و فلسفه دوم برای عالم ذر می توان پی برد و آن، سهولت یافتن هدایت انسان ها توسط پیامبران و امامان و مصلحان است، وجود شهود عالم ملکوت و عالم ذر، این زمینه را برای رهبران دینی آماده می کند که بشر را به راحتی هدایت نمایند و با زنده نمودن آن پیمان و کشف گنجینه های فطرت، به سادگی انسان ها را به راه راست رهنمون سازند.

فلسفه دیگر این است که مصلحان و انسان های متدین، از هدایت دیگران هرگز ناامید نشوند؛ زیرا خواهند دانست که عوامل مختلفی در درون انسان ها، آنان را برای اصلاح یاری می رساند؛ عواملی مثل عقل آدمی، وجدان اخلاقی، فطرت و وجود عالم ذر و شهود ملکوتی آن.

در واقع، مجموعه اینها، عوامل ستون پنجم درونی به حساب می آیند که باعث می شوند مصلحان تا آخرین لحظه، از هدایت انسان ها ناامید نشوند و به همین جهت گاهی برخی افراد با یک جرقه در آخرین روزهای عمر خود، به فطرت حقیقی و شهود ملکوتی خود برگشته، در صراط حق و توحید قرار گرفته اند.